

The role and function of Iraqi Shiite Kurds in the Arbaeen pilgrimage

*Ali Molaie, PhD in Political Science, Hamadan Azad University, Hamadan, Iran.
Email: molaieali57@gmail.com*

Extended Abstract

Introduction: The Shiite Kurds of Iraq, a minority of Iranian origin concentrated in the eastern provinces of Diyala, Wasit, Baghdad, and Khanaqin, have long experienced systematic marginalization under successive Iraqi regimes, particularly during the Ba'athist era. Their composite identity—Kurdish by ethnicity, Shiite by faith, and of Iranian descent—made them persistent targets of state suspicion, resulting in denaturalization, forced displacement, and political exclusion. Following the fall of Saddam Hussein, many Shiite Kurds returned to Iraq and embarked on a process of cultural and religious revival. Among the most prominent manifestations of this revival is their active participation in the annual Arbaeen pilgrimage, which serves not only as a religious ritual but also as a performative expression of identity, transnational solidarity, and geopolitical symbolism that closely connects them with Iran.

Methods: Using a qualitative-historical approach and thematic analysis, this study draws on historical sources, archival materials, and semi-structured interviews with Arbaeen organizers and Shiite Kurdish participants. A purposive snowball sampling strategy facilitated access to dispersed networks of activists and pilgrims. Through thematic coding and comparative analysis, the study identifies three major themes: (1) shared identity and cultural ties with Iran, (2) motivations for participation in Arbaeen, and (3) the broader sociopolitical and cultural implications of such participation.

Findings: Shared Identity with Iran: Shiite Kurds maintain enduring religious, linguistic, and historical ties with Iran. These include adherence to Twelver Shiism, linguistic affinities between Kurdish dialects and Persian, historical coexistence with Iranian communities (particularly in Ilam Province), and past involvement in defending Iran's western borders. Such affinities have historically linked Shiite Kurds to Iranian sociocultural frameworks, reinforcing a sense of kinship despite the mistrust directed toward them by successive Iraqi regimes.

Motivations for Participation: Participation in Arbaeen is driven by multiple intersecting factors, including religious devotion, collective memory, and identity reconstruction. Deep faith in the sanctity of Imam Hussain and the redemptive significance of pilgrimage constitutes the primary motivation. The tradition of nazar (votive offerings), the collective organization of hospitality services, and communal mourning rituals—often modeled on Iranian practices—strengthen social



cohesion within the community. Participation also enables Shiite Kurds to reclaim their historically marginalized Shiite identity and express solidarity with the global Shiite community. Notably, their provision of hospitality extends beyond the official Arbaeen period, reflecting a cultural affinity with Iranian traditions of sustained service and generosity.

Sociopolitical and Cultural Implications: The participation of Shiite Kurds in Arbaeen generates multidimensional outcomes. It contributes to the transnational dissemination of Hussaini values, promoting narratives of justice, sacrifice, and moral resistance. Arbaeen functions as a space for Islamic unity and Shiite solidarity, transcending ethnic boundaries and reinforcing the transnational significance of Shiism. The visible use of the Persian language, Iranian symbols, and images of Iranian leaders among some Kurdish participants illustrates the expansion of Iran's soft power and ideological influence. For many participants, the pilgrimage also represents a spiritual preparation for the advent of Imam Mahdi, highlighting the eschatological dimensions of Shiite religiosity. Through these practices, Shiite Kurds contribute to the preservation, revival, and dissemination of sha'aer, the central rituals and symbols of Shiite Islam.

Conclusion: The participation of Iraq's Shiite Kurds in Arbaeen transcends mere devotional expression and represents a renewed assertion of identity, cultural resilience, and political agency. It provides a platform through which they reconnect with their spiritual heritage, restore communal pride, and reposition themselves within both Iraqi society and the broader Shiite ummah. Their rituals, linguistic practices, and forms of hospitality reveal enduring cultural connections with Iran, thereby reinforcing cross-border Shiite solidarity. More broadly, Arbaeen has evolved into a venue for religious diplomacy and geopolitical signaling, enabling marginalized groups such as the Shiite Kurds to exercise agency and gain visibility within regional power dynamics. Ultimately, for the Shiite Kurds, the pilgrimage functions simultaneously as a sacred act of worship and a strategic sociopolitical practice that fosters transethnic solidarity, preserves collective memory, and contributes to the ongoing transformation of the cultural and geopolitical landscape of Shiism in the contemporary Middle East.

Keywords: Kurds of Fili, Iraq, Arbaeen ceremony, Iran



نقش و کارکرد کردهای شیعی عراق در آیین پیاده‌روی اربعین

علی مولایی^۱

چکیده

راهپیمایی اربعین حسینی طی سال‌های اخیر به یکی از بزرگ‌ترین آیین‌های مذهبی و اجتماعی در جهان اسلام تبدیل شده است. در این میان، حضور فعال کردهای شیعه عراق در این آیین، پدیده‌ای کمتر تحلیل شده اما دارای ابعاد فرهنگی، هویتی و ژئوپلیتیکی قابل توجه است. پژوهش حاضر باهدف واکاوی نقش و انگیزه‌های مشارکت کردهای شیعی عراق در آیین اربعین، تلاش دارد تا فراتر از رویکرد مناسکی صرف، به لایه‌های معنایی و کارکردی این مشارکت بپردازد. روش تحقیق، کیفی و مبتنی بر مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته با مشارکت‌کنندگان کرد شیعی در مراسم اربعین، تحلیل اسناد تاریخی، و تطبیق یافته‌ها با ادبیات نظری است. نتایج نشان می‌دهد که مشارکت کردهای شیعی در آیین اربعین، صرفاً از سر التزام مذهبی نیست، بلکه بازتابی از کنش هویتی آنان برای بازسازی منزلت اجتماعی، احیای حافظه جمعی دوران تبعید و ترد در رژیم بعث، و بیان وفاداری به مرجعیت شیعی و همبستگی با جمهوری اسلامی ایران است. پیوندهای تاریخی و زبانی با ایران، هم‌پوشانی فرهنگی با جامعه شیعی ایرانی، و نقش فعال در خدمت‌رسانی به زائران، از جمله زمینه‌هایی است که موقعیت نمادین کردهای شیعی را در این آیین تقویت کرده است. در نهایت، یافته‌ها نشان می‌دهد که آیین اربعین برای کردهای شیعه به بستری برای ابراز هویت، تعامل بین فرهنگی، و بازتعریف موقعیت در عراق پسااصدام بدل شده است. این امر دارای پیامدهایی مهم برای دیپلماسی فرهنگی ایران و گفتمان ژئوپلیتیکی تشیع در منطقه است.

واژگان کلیدی

کردهای شیعه، اربعین حسینی، هویت دینی، دیپلماسی فرهنگی، عراق پسااصدام.



مقدمه

آیین پیاده‌روی اربعین طی دو دهه اخیر به یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین مناسک مذهبی و آیینی در جهان اسلام، به‌ویژه در جغرافیای تشیع، تبدیل شده است. اربعین نه صرفاً یک کنش عبادی، بلکه یک رخداد اجتماعی - سیاسی، فرهنگی و حتی ژئوپلیتیکی است که ظرفیت‌های نمادین فراوانی در بازنمایی هویت، همبستگی، اعتراض، مقاومت و معنابخشی به زیست جمعی مسلمانان و به‌ویژه شیعیان دارد. در این میان، مشارکت اقلیت‌های مذهبی و قومی مختلف در این آیین، بستری برای دیده‌شدن و ابراز هویت آنان فراهم آورده است. یکی از گروه‌های کمتر مطالعه‌شده در این زمینه، کردهای شیعی عراق هستند؛ گروهی که در تقاطع سه هویت قومی (کردی)، مذهبی (شیعی) و تاریخی - سیاسی (ایرانی‌تبار) قرار گرفته‌اند. کردهای شیعی عراق که عموماً در مناطق دیاله، واسط، بغداد، خانیقین و نواحی جنوبی اقلیم کردستان سکونت دارند در طول تاریخ معاصر، تجربه‌های سنگین و متراکمی از حاشیه‌نشینی، طرد سیاسی، تبعید اجباری، و محروم‌سازی سیستماتیک را از سر گذرانده‌اند. این گروه، به‌ویژه در دوران رژیم بعث، به دلیل برخورداری از مؤلفه‌های هویتی دگر و متقاطع (کرد بودن، شیعه بودن و قرابت با ایران) همواره هدف مظنونیت امنیتی و سرکوب شدید بوده‌اند. سیاست‌های بعثی از یک‌سو آنان را از حقوق شهروندی، آموزش، مشارکت سیاسی و اشتغال محروم ساخت و از سوی دیگر، با اتهام پیوند با ایران و تشیع سیاسی، دست به اخراج و پاک‌سازی قومی آنان زد. بسیاری از خانواده‌های کرد شیعی در دهه‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰ به‌اجبار به ایران تبعید شدند و سال‌ها در استان‌های مرزی چون ایلام، کرمانشاه و خوزستان سکونت گزیدند. این تبعید، به‌رغم تلخی‌هایش، زمینه‌ساز ارتباطات فرهنگی، زبانی، دینی و حتی اقتصادی عمیق میان کردهای شیعی و جامعه ایرانی گردید.

با سقوط رژیم بعث در سال ۲۰۰۳ و شکل‌گیری فضای پسا‌صدام، کردهای شیعی فرصت یافتند تا به‌تدریج به عرصه اجتماعی و مذهبی عراق بازگردند و برای بازسازی منزلت ازدست‌رفته خود تلاش کنند. در این میان، آیین پیاده‌روی اربعین به‌عنوان بزرگ‌ترین آیین آیینی و مناسکی شیعه، به صحنه‌ای برای بازنمایی دوباره هویت آنان بدل شد. مشارکت پرشور کردهای شیعی در این آیین، چه در قامت زائر و چه در قامت خادم موبک، واجد لایه‌های متعددی از معناست: این مشارکت هم ابراز هویت مذهبی - شیعی است، هم بازسازی تعلق قومی - فرهنگی، هم نمایش همبستگی با جریان مقاومت منطقه‌ای، و هم کنشی ژئوپلیتیکی در متن جامعه عراق. از یک‌سو، این گروه با

استفاده از زبان و سبک‌های عزاداری ایرانی، به بازتولید فرهنگی خود در متن آیین اربعین می‌پردازند و از سوی دیگر، تلاش می‌کنند با خدمت به زائران به‌ویژه ایرانیان بخشی از هویت تاریخی و جایگاه فرهنگی خود را احیا کنند. برخلاف برخی گروه‌های کردی که هویت خود را در نسبت با ایران دوقطبی و گاه تقابلی تعریف کرده‌اند، کردهای شیعی، خاطره‌ای مثبت از ارتباط با ایران دارند و آیین اربعین را فرصتی برای تعمیق این پیوند فرهنگی و دینی تلقی می‌کنند. در عین حال، از منظر جامعه‌شناختی، مشارکت جمعی این گروه در مناسک اربعین را می‌توان تجلی نوعی «احیای هویت حاشیه‌ای» و خروج از حاشیه‌نشینی دانست؛ فرایندی که به واسطه مناسک دینی و عمومی، امکان دیده‌شدن، به رسمیت شناخته‌شدن و بازتعریف موقعیت اجتماعی فراهم می‌آورد. با وجود این اهمیت چندلایه، حضور کردهای شیعه در آیین اربعین تاکنون در ادبیات علمی کمتر مورد توجه قرار گرفته و اغلب مطالعات موجود به توصیف کلی از وضعیت آنان یا روایت تجربیات تاریخی تبعید و سرکوب محدود شده‌اند. در نتیجه، خلأ پژوهشی در بررسی چگونگی مشارکت آیینی این گروه، تحلیل انگیزه‌ها، سازوکارهای فرهنگی، و پیامدهای اجتماعی و ژئوپلیتیکی مشارکت آنان در اربعین، کاملاً محسوس است.

مسئله محوری این پژوهش آن است که: چگونه کردهای شیعه عراق از آیین پیاده‌روی اربعین به‌مثابه یک ابزار فرهنگی، هویتی و سیاسی برای بازتعریف خود استفاده می‌کنند؟ چه عواملی فرهنگی، مذهبی، تاریخی یا ژئوپلیتیکی در این مشارکت نقش داشته‌اند؟ و چه پیامدهایی می‌توان برای جامعه شیعی عراق، روابط ایران و عراق، و نیز بازتعریف هویت کردهای شیعی از دل این مشارکت برشمرد؟

پیشینه پژوهش

مطالعات علمی درباره کردهای فیلی، بیش از هر چیز معطوف به تبیین وضعیت سیاسی، حقوقی و اجتماعی آنان در عراق تحت سلطه حزب بعث بوده است. اخوان کاظمی و عزیز (۱۳۹۷) در تحلیلی از وضعیت کردهای شیعه فیلی عراق، نشان دادند که این گروه قومی - مذهبی، علی‌رغم تلاش برای بازیابی جایگاه خود در ساختار سیاسی و اجتماعی عراق پس از سقوط صدام، همچنان از آثار تبعیض و طرد تاریخی رنج می‌برد. این یافته‌ها در راستای نتایج تحقیق مقدم و بصیرت‌منش (۱۳۹۸) قرار دارد که تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کردهای فیلی شیعه عراق را بررسی کرده‌اند. آنان با اتکا به نظریه‌های پخش اجتماعی، سه مسیر سرایتی، جابه‌جایی و سلسله‌مراتبی را

در انتقال گفتمان انقلابی ایران به این جمعیت تحلیل کرده و نشان داده‌اند که پیوندهای زبانی، مذهبی و نژادی میان این گروه و ایران، بستری قوی برای تأثیرپذیری آن‌ها فراهم کرده است. در عین حال، پژوهش به عملکرد حکومت عراق نیز توجه داشته و نشان داده است که این پیوندها موجب تشدید خشونت، سلب تابعیت، اخراج گسترده و سرکوب سازمان یافته از سوی رژیم بعث شده است. مرادی و بصیرت‌منش (۱۳۹۸) با نگاهی تاریخی - حقوقی، ادامه همین روند را در طول قرن بیستم دنبال کرده‌اند. آن‌ها با بررسی فراز و فرودهای قانونی تابعیت کردهای فیلی، به‌ویژه پس از دهه ۶۰ میلادی، دریافته‌اند که قومیت، مذهب و مرز نشینی، سه عنصر کلیدی در شکل‌گیری سیاست‌های طردگرایانه علیه این جمعیت بوده‌اند. در واقع، پیوندهای فرهنگی - هویتی با ایران، از یک سو موجب همبستگی کردهای فیلی با سیاست‌های انقلابی جمهوری اسلامی شده و از سوی دیگر، حساسیت و واکنش‌های شدید دولت عراق را در پی داشته است. این پیوستگی میان هویت، سیاست و امنیت در مطالعات جدیدتر نیز پیگیری شده است. زرگر و همکاران (۱۴۰۱) و همچنین زرگر و مولایی (۱۴۰۲) در دو تحقیق متوالی، به بررسی ابعاد دیپلماسی عمومی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با محوریت کردهای فیلی پرداختند. آن‌ها با تأکید بر اشتراکات فرهنگی، مذهبی و تمدنی میان این قوم و ملت ایران، نشان دادند که کردهای فیلی می‌توانند در قالب ابزارهای دیپلماسی فرهنگی، به‌عنوان حاملان فرهنگ ایرانی در فضای عراق پسادام نقش ایفا کنند. مضامینی نظیر زبان فارسی، آیین اربعین، هم‌زیستی تاریخی و آداب و رسوم مشترک، به‌عنوان عناصر پیونددهنده در این فرایند شناخته شده‌اند. هم‌زمان، عقابی و همکاران (۱۴۰۲) تلاش کردند نقش رسانه را به‌عنوان ابزار هویت‌ساز در این میان تحلیل کنند. آن‌ها با بهره‌گیری از چارچوب نظری سازه‌انگاری، نشان دادند که رسانه‌های محلی می‌توانند با بازنمایی آیین‌ها و مناسک فرهنگی، به بازسازی هویت کردهای فیلی کمک کنند. تحلیل آن‌ها از داده‌های گردآوری شده از مصاحبه‌ها، منجر به استخراج ۴۱ کد توصیفی و ۸ مضمون تفسیری شد که همگی حول مفهوم فراگیر «فرهنگ» سازمان یافتند. این فرهنگ بازنمایی هویتی است که هم در مقابل هویت‌زدایی تاریخی مقاومت کرده و هم در تلاش است تا در فضای کنونی عراق خود را بازتعریف کند. در همین راستا، عقابی و همکاران (۱۴۰۲) نیز به کارکرد رسانه‌های استانی در ایران - به‌ویژه شبکه ایلام - در تقویت این هویت پرداخته‌اند. آن‌ها با تحلیل نقش رسانه در بازسازی پیوندهای فرهنگی با کردهای فیلی، تأکید کرده‌اند

که رسانه محلی می‌تواند در برابر تهاجم رسانه‌های بیگانه ایستادگی کند، به‌ویژه از طریق روایت آیینی مانند مراسم اربعین. ارتباط زنده و هدفمند با کردهای فیلی عراق در قالب پخش برنامه‌های مستند، آیین‌های محلی و ارتباطات فرهنگی، می‌تواند از نظر آنان ضامن امنیت فرهنگی و درنهایت امنیت ملی باشد. حیدری فر و پاهیکده (۱۳۹۷) با بررسی موقعیت ژئوپلیتیکی مناطق مرزی غرب کشور، بر ظرفیت‌ها و تهدیدهای نهفته در حضور کردهای فیلی تأکید کرده‌اند. آنان اشاره می‌کنند که این جمعیت مرزنشین، هم به دلیل گرایش‌های تاریخی‌شان به ایران و هم از حیث ساختار جوان، فقیر و بیکار، می‌تواند در معرض گرایش به جریان‌ات معارض یا بالعکس، مشارکت فعال در فرایند امنیت‌سازی فرهنگی جمهوری اسلامی قرار گیرد. استفاده هوشمندانه از ظرفیت‌های این گروه، از نظر آنان نه تنها تهدیدات را خنثی می‌کند، بلکه می‌تواند به فرصت‌های راهبردی نیز تبدیل شود.

می‌توان گفت که مطالعات صورت‌گرفته در دو دهه اخیر، نشان‌دهنده حرکت تدریجی پژوهش‌ها از تمرکز بر ابعاد حقوقی و تاریخی تبعیض علیه کردهای فیلی، به سوی تحلیل‌های فرهنگی، رسانه‌ای، و راهبردی از نقش آن‌ها در دیپلماسی عمومی و امنیت فرهنگی ایران است. این تحول همسو با تغییر فضای سیاسی عراق پس از صدام، و نیز تحول در نگرش سیاست‌گذاران ایرانی نسبت به مقوله هویت و فرهنگ در مناسبات منطقه‌ای بوده است.

مبانی نظری پژوهش

نظریه سازه‌نگاری یکی از مهم‌ترین رهیافت‌های پسا رئالیستی در روابط بین‌الملل است که در دهه‌های اخیر، توانسته با تبیین تأثیر مؤلفه‌های غیرمادی نظیر هویت، فرهنگ و هنجارها، چارچوبی نظری برای تحلیل رفتار بازیگران سیاسی فراتر از منافع صرفاً مادی و عقلانیت ابزاری فراهم آورد. این نظریه به‌طور بنیادین برخلاف دیدگاه‌های مادی‌گرا مانند رئالیسم و لیبرالیسم، معتقد است که ساختارهای اجتماعی محصول کنش‌های انسانی‌اند، اما درعین‌حال، بر همین کنش‌ها نیز تأثیرگذارند. به بیان دیگر، ساختار و کارگزار در چارچوب سازه‌نگاری رابطه‌ای دیالکتیکی و متقابل دارند (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۲۳). الکساندر ونت، یکی از نظریه‌پردازان برجسته این مکتب، «استدلال می‌کند که هویت‌ها و منافع دولت‌ها، نه پیشینی و ثابت، بلکه برآمده از تعاملات اجتماعی و گفتمان‌ها هستند» از دیدگاه ونت، «آنا‌رشی، همان چیزی

است که دولت‌ها از آن می‌سازند" عبارتی که ریشه در ساختارگرایی اجتماعی دارد و به‌روشنی بیانگر دیدگاه سازه‌انگاران نسبت به پویایی نظام بین‌الملل است. این نظریه به‌ویژه برای تحلیل رفتار گروه‌هایی که در وضعیت‌های حاشیه‌ای، پسااستعماری یا فروملی قرار دارند؛ مانند کردهای شیعه در عراق ابزار مفهومی مناسبی فراهم می‌کند. چراکه تأکید آن بر هویت‌های سیال، بازتولید اجتماعی معنا، و نقش آیین‌ها و نمادها در تثبیت موقعیت سیاسی - اجتماعی بازیگران است. در ادبیات سازه‌انگاری، هویت نه امری ثابت و ذاتی، بلکه برساخته‌ای اجتماعی است که در طول زمان و از طریق فرایندهای معنادار تعامل، بازتولید و دگرگون می‌شود. از این‌رو، کنش‌های سیاسی و آیینی را نمی‌توان به‌صورت مستقیم و صرفاً در قالب ملاحظات امنیتی یا منافع مادی تحلیل کرد؛ بلکه باید آن‌ها را در بافتی از روابط گفتمانی و معنایی نگریست. از همین منظر است که نظریه سازه‌انگاری توانسته ابزارهای تحلیلی مناسبی برای فهم کنش‌هایی چون آیین پیاده‌روی اربعین و مشارکت فعال گروه‌های هویتی خاص در آن فراهم آورد. سازه‌انگاران معمولاً به سه دسته تقسیم می‌شوند (دانش‌نیا، ۱۳۹۴: ۶۹):

۱. سازه‌انگاری سیستمی که تمرکز آن بر نقش ساختار بین‌الملل و هنجارهای مسلط در تکوین هویت دولت‌هاست؛
۲. سازه‌انگاری واحد محور (داخلی) که به نقش ساختارهای داخلی، فرهنگ سیاسی، و روابط درون‌ملی در ساخت و بازتعریف هویت دولت‌ها می‌پردازد؛
۳. سازه‌انگاری کل‌نگر که تأکید دارد هویت‌ها در هم‌نشینی پیچیده میان مؤلفه‌های داخلی و بین‌المللی شکل می‌گیرند.

باتوجه به اینکه جامعه موردبررسی یعنی کردهای شیعه عراق تحت تأثیر هم‌زمان ساختارهای سیاسی - امنیتی دولت عراق، سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، و نیز پیوندهای فرهنگی - مذهبی فراملی قرار دارد، استفاده از رویکرد کل‌نگرانه سازه‌انگاری مناسب‌ترین چارچوب برای تحلیل رفتار آیینی آنان خواهد بود. چراکه این دیدگاه قادر است پیچیدگی‌های هم‌زمان ساختار و کارگزاری را در سطح درونی (هویت قومی - مذهبی) و بیرونی (تعاملات منطقه‌ای) تبیین کند. نکته مهم در سازه‌انگاری آن است که کنش‌های آیینی مانند پیاده‌روی اربعین نه تنها بازتاب‌دهنده هویت‌های موجود هستند، بلکه در ساخت و بازتولید همین هویت‌ها نیز نقش دارند. آیین اربعین، با کارکردهای فرهنگی، جمعی، و دینی خود، فضایی را فراهم می‌آورد که در آن، گروه‌های مختلف شیعی از جمله کردهای شیعه می‌توانند خود را در بستر یک «امت فرهنگی»

بازتعریف و تثبیت کنند. مشارکت در این آیین، نوعی کنش نمادین و سیاسی است که امکان بازپس‌گیری هویت‌های سرکوب‌شده و بازسازی گفتمان «تعلق» را فراهم می‌سازد. بر اساس رویکرد سازه‌انگاری، سیاست خارجی نیز نه کنشی صرفاً واکنشی، بلکه فرایندی فعال برای بازتعریف و بازسازی «خود» در نسبت با «دیگری» است. دولت‌ها و گروه‌های هویتی با استفاده از منابع غیرمادی مانند دین، اسطوره، مناسک و تاریخ، چارچوب‌های معنا را می‌سازند و از این طریق هویت سیاسی خود را تثبیت می‌کنند (آقایی و رسولی، ۱۳۸۸: ۸). در مورد کردهای شیعه عراق، بازگشت آنان پس از سقوط رژیم بعث و مشارکت فعال در آیین اربعین را می‌توان به‌مثابه تلاشی برای بازسازی هویت، احیای پیوندهای مذهبی و اعلام تعلق به گفتمان غالب شیعی در عراق و منطقه تحلیل کرد؛ بنابراین نظریه سازه‌انگاری به‌واسطه تمرکز بر مفهوم هویت، نقش معانی اجتماعی، و تأکید بر ساختارهای غیرمادی، چارچوب تحلیلی مناسبی برای بررسی رفتار کردهای شیعی عراق در آیین پیاده‌روی اربعین فراهم می‌آورد. این نظریه کمک می‌کند تا نقش آیین‌ها، مناسک و هویت‌های برساخته در بازتعریف موقعیت سیاسی و اجتماعی گروه‌های حاشیه‌ای در بافت‌های پرتنش منطقه‌ای، بادقت بیشتری فهمیده شود.

روش پژوهش

پژوهش پیش‌رو از نوع کیفی با رویکرد تاریخی - تحلیلی است و برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل تماتیک (تحلیل مضمون) استفاده شده است. هدف آن، استخراج مضامین معنادار پیرامون نقش و کارکرد کردهای شیعی عراق در آیین پیاده‌روی اربعین است. باتوجه به ماهیت خاص موضوع و دشواری شناسایی دقیق جامعه هدف، روش نمونه‌گیری غیراحتمالی و هدفمند به کار گرفته شد. از میان انواع آن، دو روش نمونه‌گیری قضاوتی و نمونه‌گیری گلوله‌برفی (انباشتی) مورد استفاده قرار گرفت. در نمونه‌گیری قضاوتی، افراد دارای تجربه یا آگاهی خاص نسبت به موضوع، از طریق تماس‌های میدانی و تعامل در محیط‌های مرتبط شناسایی و انتخاب شدند. سپس با استفاده از روش گلوله‌برفی، از مشارکت‌کنندگان اولیه خواسته شد سایر افراد واجد شرایط را معرفی کنند؛ روشی که در مطالعات با جامعه‌های پراکنده یا غیررسمی، کارایی بالایی دارد. جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته حضوری و چهره‌به‌چهره انجام شد تا ضمن ایجاد فضای تعاملی، امکان تعمیق در مضامین موردنظر فراهم گردد.

یافته‌های پژوهش

زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و هویتی مشارکت کردهای شیعه عراق در آیین اربعین یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته و تحلیل محتوای اسناد و متون تاریخی نشان می‌دهد که مشارکت کردهای شیعه عراق در آیین پیاده‌روی اربعین را نمی‌توان صرفاً در چارچوب دین‌ورزی فردی یا عمل عبادی تعریف کرد. این مشارکت دارای ابعاد پیچیده‌تری است که ریشه در تحولات تاریخی، تجربه‌های زیسته، حافظه جمعی، پیوندهای فرهنگی فراملی و سیاست‌های سرکوب‌گرایانه گذشته دارد. در واقع، برای کردهای شیعه عراق، آیین اربعین به بستر بازنمایی و بازسازی هویت مذهبی، قومی و تاریخی آنان بدل شده است. این زمینه‌ها را می‌توان ذیل هفت محور تحلیلی زیر تبیین کرد:

۱. اشتراکات مذهبی و هم‌سرنوشتی هویتی با جهان تشیع

نخستین و بنیادی‌ترین عامل پیوند کردهای شیعه عراق با آیین اربعین، تعلق مذهبی آنان به مذهب شیعه دوازده‌امامی است. این اشتراک عقیدتی، آنان را با جامعه بزرگ شیعیان عراق و ایران در زیست‌جهانی مشترک از آیین‌ها، مناسک و ارزش‌ها قرار داده است. نواحی شرقی عراق نظیر دیاله، واسط و کوت که تمرکز جغرافیایی کردهای شیعه در آنجاست، همواره در تعامل اجتماعی و فرهنگی با مناطق شیعه‌نشین عرب قرار داشته‌اند. این مجاورت جغرافیایی و هم‌زیستی تاریخی، موجب تقویت پیوندهای مذهبی و درنهایت، انسجام آیینی در مناسکی نظیر محرم، عاشورا و اربعین شده است (عظیمی چلونگر، ۱۳۹۱، ۹۷). پس از سقوط رژیم بعث در سال ۲۰۰۳ و تشدید خشونت‌های فرقه‌ای علیه شیعیان توسط گروه‌های سلفی و تکفیری، کردهای شیعه نیز در کنار دیگر گروه‌های شیعه مورد هدف قرار گرفتند. این وضعیت، موجب شد تا توجه آنان به مرجعیت، آیین‌های عاشورایی و همبستگی مذهبی، به‌مثابه پناهگاه‌های هویتی افزایش یابد. اربعین در این فضا، به‌عنوان نمادی از همبستگی شیعیان با یکدیگر عمل می‌کند که برای کردهای شیعه نیز فرصت بازتعریف هویت مذهبی در یک اجتماع جهانی را فراهم می‌آورد (تحولات جهان اسلام، ۱۴۰۲).

۲. واگرایی تاریخی با گفتمان بعثی و بازسازی کرامت

کردهای شیعه، نه‌تنها از منظر مذهبی، بلکه از منظر قومی نیز همواره در موقعیت طرد قرار داشته‌اند. حکومت بعث، با تفسیر امنیتی از دوگانه «کرد - عرب» و «شیعه -

سنی»، کردهای شیعه را مصداق تهدید ترکیبی می‌دید. حادثه سوءقصد به طارق عزیز که به یکی از کردهای شیعه نسبت داده شد، به‌مثابه نقطه عطفی در تشدید فشارهای امنیتی علیه این گروه محسوب می‌شود. در پی آن، هزاران کرد شیعه از مناطق مرزی اخراج و تابعیت آنان سلب شد (مرادی مقدم و بصیرت‌منش، ۱۳۹۸: ۱۷). این تجربه طرد، به حافظه جمعی این گروه بدل شد. مراسم اربعین، پس از فروپاشی ساختار اقتدار بعث، به فرصتی برای بازگشت به عرصه عمومی و بازسازی کرامت ازدست‌رفته برای کردهای شیعه تبدیل شد. حضور فعال آنان در موکب‌داری، خدمات‌رسانی و مشارکت در پیاده‌روی، نمودی از بازسازی هویت طردشده و تأکید بر عضویت در امت شیعی عراق است (ویسی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱).

۳. پیوندهای زبانی و فرهنگی با ایران

تبعید هزاران کرد شیعه به ایران، عمدتاً در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰، موجب شکل‌گیری پیوندهای عمیق زبانی و فرهنگی میان آنان و جامعه ایرانی شد. استقرار این گروه در شهرهایی نظیر ایلام، کرمانشاه، قم و البرز، همراه با دسترسی به نظام آموزشی ایران، موجب شد که نسل دوم این مهاجران به زبان فارسی مسلط شده و با سبک عزاداری ایرانی آشنا گردند (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۸). این هم‌پوشانی زبانی و فرهنگی، در آیین اربعین تجلی می‌یابد؛ چراکه بسیاری از کردهای شیعه در موکب‌هایی که با مشارکت ایرانیان برپا می‌شود، فعال‌اند و قادرند نقش میانجی زبانی و فرهنگی میان زائران ایرانی و میزبانان عراقی را ایفا کنند (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۶).

۴. حافظه مقاومت و کنش سیاسی ضد بعث

کردهای شیعه، در بخش‌هایی از تاریخ معاصر، در جنبش‌های مقاومت کرد علیه دولت مرکزی عراق نقش فعالی داشته‌اند. آنان هم در قیام‌های بارزانی مشارکت داشتند و هم در قالب جریان‌های اسلامی کردی؛ مانند سپاه بدر، در مبارزه با بعث فعال بودند. این سابقه تاریخی، با نوعی حافظه مقاومت در میان آنان نهادینه شده است. آیین اربعین که خود برآمده از مفاهیم شهادت، ظلم‌ستیزی و مقاومت است، برای این گروه، یک «صحنه نمادین» برای بازخوانی گذشته مقاومت خود و تجدید بیعت با آرمان‌های ضد استبداد تلقی می‌شود. مشارکت فعال در این آیین، نوعی تداوم نمادین کنش اعتراضی به گذشته سرکوب‌گرانه بعثی است (عظیمی و چلونگر، ۱۳۹۱).

۵. تجربه هم‌زیستی و همدلی با شیعیان ایران

کردهای شیعه در دوران اقامت در ایران، نه تنها از مزایای اقتصادی و آموزشی بهره‌مند شدند، بلکه در سطوح فرهنگی و آیینی نیز با جامعه شیعی ایران پیوند عمیقی برقرار کردند. مشارکت در مراسم محرم، عضویت در نهادهای مذهبی و نظامی همچون سپاه بدر، ازدواج‌های بین فرهنگی و حضور در هیئات، زمینه‌ساز نوعی امت‌گرایی شیعی در میان این گروه شد. این ذهنیت امت محور که فراتر از مرزهای ملی می‌اندیشد، موجب می‌شود که کردهای شیعه، آیین اربعین را به مثابه یک پدیده جهانی شیعی، نه صرفاً عراقی، تلقی کرده و در آن مشارکتی فعال و مسئولانه داشته باشند (محرمی، ۱۳۹۶).

۶. سابقه مرزنشینی و دفاع از ایران

کردهای شیعه مناطق مرزی همچون ایلام، در دوره‌هایی از تاریخ ایران، به‌ویژه عصر صفویه و قاجار، نقش کلیدی در دفاع از مرزهای غربی ایفا کرده‌اند. این پیشینه، در حافظه تاریخی آنان نوعی حس مسئولیت و تعلق به سرزمین و آیین برجای گذاشته است (اکبری و یاری، ۱۳۹۵). این احساس، در آیین‌هایی مانند اربعین که از مرز عبور می‌کنند و با حضور انبوه زائران ایرانی در سرزمین عراق همراه‌اند، به کنشی معنوی و اجتماعی بدل می‌شود. بسیاری از موب‌های کردهای شیعه، باهدف میزبانی از زائران ایرانی برپا می‌شوند و مشارکت آنان نه فقط یک عمل دینی، بلکه ایفای نقشی تاریخی در مرزداری فرهنگی و مذهبی تلقی می‌شود.

۷. عامل زبان به مثابه ابزار کنشگری فرهنگی

تسلط بسیاری از کردهای شیعه به دو زبان کردی و فارسی، مزیتی ارتباطی در مسیر پیاده‌روی اربعین فراهم کرده است. آنان توانسته‌اند به‌عنوان مترجم، راهنما و واسطه فرهنگی میان زائران ایرانی و جامعه میزبان در عراق ایفای نقش کنند. زبان فارسی در میان نسل دوم و سوم مهاجران کرد شیعه که در ایران رشد یافته‌اند، به‌عنوان زبان فرهنگی نیز جایگاه یافته و به آن‌ها امکان داده تا به‌صورت دوسویه در تولید و بازنمایی آیین اربعین سهیم باشند (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۶؛ راد، ۱۳۹۸).

انگیزه مشارکت کردهای شیعه عراق در آیین پیاده‌روی اربعین

یافته‌های میدانی و تحلیل مضمون مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که مشارکت کردهای شیعه در مراسم پیاده‌روی اربعین تنها یک کنش عبادی یا فردی نیست، بلکه واجد لایه‌های پیچیده‌ای از معانی هویتی، اجتماعی، اعتقادی و فرهنگی است. این مشارکت به مثابه

یک کنش آیینی، در بستر تجربه تاریخی، حافظه جمعی، هویت مذهبی و شبکه‌های قومی شکل گرفته و از این رو واجد معانی مضاعفی برای این گروه است. انگیزه‌های مشارکت آنان در این آیین، در چهار محور اصلی قابل طبقه‌بندی است:

- نخست، فرهنگ نذر و ادای حاجت یکی از پررنگ‌ترین محرک‌ها برای مشارکت در مراسم اربعین است. بسیاری از شرکت‌کنندگان از نذری‌هایی سخن گفتند که انجام آن را مشروط به حضور در این راهپیمایی کرده بودند. نذر کردن برای شفا، موفقیت فرزندان، یا رهایی از مشکلات از جمله مصادیقی بود که در روایات میدانی تکرار شد. این سنت، هم خاستگاه مذهبی دارد و هم در ذهنیت فرهنگی کردهای شیعه نوعی گفت‌وگوی مقدس با ائمه محسوب می‌شود. حضور در اربعین برای بسیاری نه یک سفر زیارتی معمول، بلکه ادای تعهدی دینی - اخلاقی تلقی می‌شد.

- دوم، باورهای دینی و اعتقادات مذهبی نقش مهمی در ایجاد انگیزه برای مشارکت دارد. از نگاه بسیاری از کردهای شیعه، راهپیمایی اربعین نه تنها عملی مستحب، بلکه نوعی وفاداری علنی به امام حسین (ع) و اعلام محبت به اهل بیت است. این مشارکت در ذهن آنان، مصداقی از «عبادت در حرکت» و «ایشار در راه دین» به شمار می‌رود. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان، خدمت به زائران را هم‌سنگ خدمت به اولیای دین تلقی کرده و آن را موجب تقرب الهی می‌دانستند.

- در محور سوم، انسجام و همبستگی اجتماعی نیز به‌عنوان یکی از انگیزه‌های اصلی مشارکت در مراسم اربعین برجسته است. مراسم اربعین برای کردهای شیعه، علاوه بر وجه فردی، بستری برای نمایش وحدت قومی - مذهبی و همکاری اجتماعی است. از تشکیل صندوق‌های محلی برای تأمین هزینه‌های موبک‌ها گرفته تا تقسیم مسئولیت‌ها میان اعضای محله و خانواده، همگی گویای یک الگوی هماهنگ از مشارکت جمعی‌اند. استمرار خدمات موبک‌های کردی حتی پس از پایان رسمی مراسم، نشانه‌ای دیگر از تعهد اجتماعی این گروه به نقش میزبانی و خدمت‌رسانی است.

- چهارم، مسئله امنیت نیز در انگیزه‌سازی مشارکت کردهای شیعه نقش داشته است. در مناطقی مانند خانقین که هم‌جواری با گروه‌های افراطی اهل سنت وجود دارد، بسیاری از کردهای شیعه برای حفاظت از مسیر زائران به عضویت گروه‌های مردمی مانند حشدالشعبی درآمده‌اند. این مشارکت، در گفتار آن‌ها

نه فقط یک اقدام امنیتی، بلکه وظیفه‌ای دینی و افتخاری ملی تلقی می‌شود. احساس مسئولیت در قبال امنیت زائران، بخشی از هویت خدامانه و جهادی این جامعه را شکل داده است.

پیامدهای فرهنگی، اجتماعی و ژئوپلیتیکی مشارکت کردهای شیعه در آیین اربعین

تحلیل داده‌های گردآوری شده از طریق مصاحبه و بررسی اسناد تاریخی و گزارش‌های میدانی، نشان می‌دهد که مشارکت کردهای شیعه در آیین اربعین نه تنها از نظر انگیزشی و هویتی حائز اهمیت است، بلکه پیامدهای چندلایه‌ای را نیز در ابعاد فردی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی و ژئوپلیتیکی به دنبال داشته است. این پیامدها را می‌توان در شش محور زیر تحلیل کرد:

۱. بازتولید هویت مذهبی و تقویت انسجام درونی

برای کردهای شیعه عراق، مشارکت در اربعین نوعی بازتولید آیینی هویت شیعی محسوب می‌شود؛ هویتی که سال‌ها تحت سرکوب بعثی قرار داشت و همواره در معرض بی‌اعتنایی و طرد نهادی بود. حضور میلیونی در این آیین، همراه با تکرار مناسک مشترک، تجربه زیسته‌ای از «هم سرنوشتی شیعی» را برای این گروه به همراه دارد. خدمات‌رسانی به زائران، راه‌اندازی موبک‌ها، نوحه‌خوانی به زبان کردی و فارسی، و مشارکت خانوادگی در سفر اربعین، موجب تحکیم پیوندهای درون‌گروهی و افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه کردی شیعه می‌شود. در گفت‌وگو با یکی از خادمان موبک در خانقین آمده است: «وقتی می‌بینی جوانان ما برای زائر امام حسین غذا می‌پزند، پاهایشان را ماساژ می‌دهند، حتی خانه‌هایشان را باز می‌گذارند، احساس می‌کنی کرد شیعه امروز در امت اسلامی جایگاه خودش را پیدا کرده» (نادری، ۱۳۹۴). این نوع مشارکت، فرآیندی از انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند که حول محور دین و کنش جمعی سازمان می‌یابد.

۲. گسترش ارتباطات بین فرهنگی و بازنمایی مثبت از تشیع کردی

آیین اربعین فرصتی برای نمایش کنشگری مذهبی و فرهنگی کردهای شیعه در سطح فراتر از جامعه خود است. مشارکت فعال آنان در موبک‌داری، خدمات‌رسانی به زائران ایرانی و بین‌المللی، و نقش میانجی‌گرانه فرهنگی، نه تنها تصویر جدیدی از کردهای شیعه به جامعه عراق و ایران ارائه می‌دهد، بلکه به بازنمایی یک هویت مذهبی معتدل، مهمان‌نواز و صلح‌جو از جامعه کردی شیعه در عرصه رسانه‌ای نیز منجر شده است.

به‌عنوان نمونه، بسیاری از موکب‌هایی که در مناطق کردنشین عراق برپا شده‌اند، تابلوهایی به سه زبان فارسی، عربی و کردی دارند و این خود، نوعی پیام ضمنی از آمادگی برای تعامل بین فرهنگی و تبلیغ هویت مشترک شیعی در بستر تنوع قومی است.

۳. نمایش قدرت نرم و اقتدار فرهنگی شیعه

یکی از برجسته‌ترین پیامدهای مراسم اربعین، به‌ویژه در سال‌های اخیر، نقش آن در ارتقای قدرت نرم جهان تشیع و بازنمایی اقتدار معنوی و اجتماعی آن است (عیوضی و پارسا، ۱۳۹۲: ۱۰۹). کردهای شیعه، به‌ویژه آنان که در ایران زیسته‌اند یا پیوند فرهنگی با ایران دارند، با شرکت گسترده و داوطلبانه در این آیین، در شکل‌گیری این قدرت نرم سهیم‌اند. گستردگی استفاده از نمادهایی چون تصاویر رهبران مذهبی ایران، پرچم‌های مذهبی با مضامین مقاومت و ایثار و سازمان‌یافتگی موکب‌ها، همه نشان‌دهنده مشارکت فعال کردهای شیعه در تقویت گفتمان فرهنگی مشترک شیعه در سطح منطقه‌ای است. به بیان یک شرکت‌کننده ۲۱ ساله: «این همه جمعیت عاشق امام حسین، یک پیام بزرگ برای دنیا دارد. اینکه ما هستیم، متحدیم و آماده‌ایم. این بزرگ‌ترین پاسخ به کسانی است که شیعه را ضعیف می‌دانند».

۴. افزایش سرمایه ژئوپلیتیکی شیعیان با نقش‌آفرینی کردهای شیعه

باتوجه به تمرکز جمعیتی زائران ایرانی و مشارکت گسترده شیعیان عرب، فارس و کرد در آیین اربعین، این آیین به بستر مهمی برای شکل‌گیری «وزن ژئوپلیتیکی شیعه» در سطح منطقه‌ای تبدیل شده است (افشردی و اکبری، ۱۳۹۲: ۴۵). کردهای شیعه با ایفای نقش مؤثر در ایجاد شبکه‌های حمایتی، خدمات‌رسانی مرزی و تعامل با نهادهای مدنی و مذهبی ایران، عملاً به عنوان یکی از گروه‌های حامی این ظرفیت ژئوپلیتیکی ظاهر شده‌اند. آمار فزاینده مشارکت زائران از مناطق کردنشین عراق در پیاده‌روی اربعین، و نیز شکل‌گیری صندوق‌های مردمی برای حمایت از موکب‌ها، به‌ویژه در شهرهایی چون خانقین و کلار، گویای این نقش فزاینده است (مظاهری، ۱۴۰۴: ۱). یک خادم موکب در این باره می‌گوید: «ما سال‌به‌سال موکب‌مان را گسترده‌تر می‌کنیم؛ کمک‌های مردمی بیشتر شده، جوان‌ها مشتاق‌تر شده‌اند. این خودش یک نمایش قدرت است».

۵. بازتاب بین‌المللی و ایجاد شبکه‌های فرهنگی فرامرزی

اربعین به‌عنوان یک رویداد رسانه‌ای و فراملی، بستری برای گسترش شبکه‌های فرهنگی میان شیعیان از کشورهای مختلف ایجاد کرده است. کردهای شیعه، به دلیل سابقه

مهاجرت به ایران و آشنایی با زبان و رسانه‌های فارسی‌زبان، نقش فعالی در انتقال پیام این آیین به دیگر جوامع ایفا می‌کنند. در طول مراسم، بسیاری از جوانان کرد شیعه به‌عنوان راهنما، مترجم، و حتی خبرنگار داوطلب در موب‌ها یا رسانه‌های مردمی فعالیت می‌کنند. این شبکه‌های تعاملی، زمینه‌ساز شکل‌گیری «امت فرهنگی شیعه» در قالبی نوین است که در آن کردهای شیعه عراق نیز جایگاهی ممتاز یافته‌اند (گیویان، ۱۳۹۶).

۶. احیای شعائر اسلامی و بیدارسازی مذهبی جوانان

نقش اربعین در احیای شعائر مذهبی در میان نسل جدید کردهای شیعه نیز یکی از پیامدهای مهم مشارکت در این آیین است. مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که جوانان این گروه، از طریق مشارکت در پیاده‌روی، نوحه‌خوانی، خدمات‌رسانی و سخنرانی‌های مذهبی در طول مسیر، با مفاهیم بنیادین مکتب عاشورا و ارزش‌های مقاومت آشنا می‌شوند. بسیاری از شرکت‌کنندگان، پیاده‌روی را نوعی «احرام برای زندگی حسینی» توصیف کرده‌اند. به گفته یکی از جوانان کرد: «در طول مسیر، هر قدممان مثل نماز بود. انگار داشتیم یک‌جور تمرین بندگی و اخلاص می‌کردیم».

نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر باهدف واکاوی نقش و کارکرد کردهای شیعه عراق در آیین پیاده‌روی اربعین، نشان داد که این مشارکت، نه‌تنها بازتابی از هویت دینی، بلکه نوعی کنش هویتی چندوجهی در سطح تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و حتی ژئوپلیتیکی است. برخلاف رویکردهای تقلیل‌گرایانه که اربعین را تنها مناسکی مذهبی تلقی می‌کنند، یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که کردهای شیعی با بهره‌گیری از این آیین، به بازنمایی هویت تاریخی، بازسازی منزلت جمعی و ایفای نقشی جدید در سپهر فرهنگی عراق و تشیع منطقه‌ای می‌پردازند. در پرتو نظریه سازه‌انگاری، می‌توان گفت که مشارکت کردهای شیعی در اربعین بازتولید هویتی در بستر مناسک مذهبی است. همان‌گونه که مشیرزاده (۱۳۸۳) تصریح می‌کند، هویت‌ها محصول کنش متقابل و گفتگومانی‌اند، نه داده‌ای پیشینی. برای کردهای شیعه، آیین اربعین، فرصتی برای ترمیم حافظه جمعی از سرکوب دوران بعث و سلب تابعیت، و بازیابی موقعیت خویش در نظم جدید عراق پس‌اصدام محسوب می‌شود. این تفسیر با یافته‌های مرادی و بصیرت‌منش (۱۳۹۸) و اخوان کاظمی و عزیزی (۱۳۹۷) هم‌راستا است، با این تفاوت که پژوهش حاضر، از بُعد نمادین و نمایشی این کنش جمعی نیز پرده برداشته است. نکته مهم

دیگر آن است که راهپیمایی اربعین به‌مثابه یک آیین رسانه‌ای و پر فور ماتی و بستر مناسبی برای بازنمایی جمعی از هویت شیعی فراهم آورده است؛ به‌ویژه برای گروه‌هایی نظیر کردهای شیعه که تجربه تاریخی حذف و حاشیه‌نشینی را پشت سر گذاشته‌اند. آن‌ها از خلال مشارکت در این آیین، نقش خادمانه و میزبانی فعال را بر عهده گرفته و از این طریق به یک بازیگر اجتماعی باز تعریف‌شده تبدیل شده‌اند. قرابت مذهبی، اشتراکات زبانی، تجربه مهاجرت به ایران، و ارتباط با نهادهای دینی ایران، همه در شکل‌گیری این نقش نوین مؤثر بوده‌اند.

مطابق با تحلیلی فرهنگی - سیاسی، می‌توان این مشارکت را در راستای بازآفرینی نوعی همبستگی اجتماعی دانست که دورکیم آن را در قالب آیین‌های جمعی توضیح می‌دهد. به‌ویژه در بخشی از یافته‌های میدانی، مشارکت خانوادگی، جمعی و داوطلبانه در خدمت‌رسانی به زائران حسینی به چشم می‌خورد؛ کنشی که نه‌تنها بیانگر ایمان، بلکه نوعی پیوند اجتماعی و همیاری قومی در بستر آیین دینی تلقی می‌شود. یکی از نکات کلیدی در تحلیل، نقش این آیین در احیای «هویت حاشیه‌ای» کردهای شیعه است. این گروه که در رژیم بعث و حتی در نظم قومی - مذهبی کنونی نیز به حاشیه رانده شده‌اند، اکنون از طریق مشارکت در آیینی جهانی همچون اربعین، خود را در مرکز میدان بازنمایی قرار می‌دهند. از سطح نمادین تا سطح سیاسی، این مشارکت نوعی بازتعریف جایگاه خویشتن جمعی در عراق و در جهان شیعه به شمار می‌رود. همچنین، از منظر ژئوپلیتیکی و قدرت نرم، مشارکت کردهای شیعه در اربعین به‌مثابه یک «نمایش نمادین همگرایی فرهنگی» با ایران عمل می‌کند. برخلاف برخی گروه‌های کرد سنی مذهب که با ایران تعارض فرهنگی یا ایدئولوژیک دارند، کردهای شیعه دارای پیوندهای عاطفی، مذهبی و زبانی مستحکمی با ایران هستند. این امر آنان را به بازیگرانی بالقوه در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی بدل ساخته است؛ نکته‌ای که در پژوهش‌های زرگر و مولایی (۱۴۰۲) و نیز رنجبر و همکاران (۱۴۰۲) نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

موکب‌های مشترک، سبک میزبانی ایرانی، زبان فارسی، و ترجمه‌گری مناسبی، همه نشانه‌هایی از این هم‌پوشانی فرهنگی و هویتی‌اند. این گروه، نقش پل ارتباطی میان فرهنگ ایرانی و اقلیم عراق را ایفا کرده و در قالب خادمان زائران ایرانی، نقش‌آفرینی تازه‌ای در میدان فرهنگی و مذهبی عراق یافته‌اند. از این رو، مشارکت آنان تنها یک کنش عبادی یا مذهبی نیست، بلکه واجد پیامی نمادین در فضای رسانه‌ای

و ژئوپلیتیکی منطقه نیز هست. در سطح کلان، می‌توان این مشارکت را بخشی از روند «بازسازی گفتمان شیعی» در خاورمیانه دانست؛ گفتمانی که بر محور مفاهیمی چون مظلومیت، مقاومت، عدالت‌خواهی و همبستگی بازتعریف شده و آیینی مانند اربعین، صحنه نمادین تبلور آن است. کردهای شیعه، به سبب تجربه تبعید و مظلومیت تاریخی، بیش از دیگر گروه‌ها با این مؤلفه‌ها هم‌ذات‌پنداری می‌کنند و از همین رو، آیین اربعین به بستری برای بازتعریف «هویت مظلوم مقاوم» برای آنان تبدیل شده است. نتیجه نهایی آن است که اربعین برای کردهای شیعی، آیینی چندلایه است: هم‌مکان مناسکی است، هم میدان بازنمایی فرهنگی؛ هم فرصتی برای کنش نمادین اجتماعی است و هم بستری برای بازسازی ژئوپلیتیکی هویت شیعی. مشارکت آنان در این آیین را باید فراتر از تعبیرهای ساده‌شده مذهبی، به مثابه یک کنش فرهنگی اجتماعی سیاسی تحلیل کرد؛ کنشی که حامل معانی متراکم و پیامدهایی راهبردی است. پیشنهاد می‌شود نهادهای فرهنگی ایران با تمرکز بر این ظرفیت، سیاست‌هایی در راستای گسترش آموزش زبان فارسی، حمایت از موب‌های مشترک، تقویت دیپلماسی فرهنگی میان ایلام و مناطق شیعه‌نشین عراق، و همچنین تولید رسانه‌های چندزبانه مشترک طراحی کنند. در کنار آن، پژوهش‌های آتی می‌توانند با رویکرد مقایسه‌ای، نقش اقلیت‌های مذهبی دیگر مانند ترکمان‌های شیعه یا شیعیان عرب ساکن مناطق مرزی در آیین اربعین را بررسی کرده و به فهمی جامع‌تر از بُعد اجتماعی این رستاخیز شیعی دست یابند.

پیشنهادها و ارائه راهبردها

نتیجه‌گیری پژوهش حاضر نشان می‌دهد که کردهای شیعه عراق از آیین پیاده‌روی اربعین نه تنها به عنوان یک کنش عبادی، بلکه به مثابه ابزار بازسازی هویت، بازیابی منزلت اجتماعی و بازتعریف جایگاه خود در ساختار عراق پسااصدام استفاده می‌کنند. این آیین، به واسطه ماهیت آیینی، جمعی و فراملی خود، بستری برای شکل‌گیری نوعی همبستگی شیعی و دیپلماسی فرهنگی میان ایران و جامعه کردی شیعه عراق فراهم کرده است. براین اساس، پژوهش از منظر سیاست‌گذاری فرهنگی و ژئوپلیتیکی، چند راهبرد کلیدی را می‌تواند پیشنهاد دهد:

– نخست، ضرورت نهادینه‌سازی ارتباط فرهنگی و دینی با کردهای شیعه عراق از طریق گسترش تعاملات میان نهادهای فرهنگی، مذهبی و رسانه‌ای دو کشور است. ایران می‌تواند با حمایت از موب‌های کردی، آموزش خادمان و

فراهم‌سازی بسترهای مشترک فرهنگی در مناطق مرزی، پیوندهای تاریخی و زبانی با این گروه را به سرمایه‌ای پایدار برای همگرایی فرهنگی تبدیل کند؛ دوم، دیپلماسی فرهنگی اربعین باید به صورت هدفمند در خدمت بازنمایی هویت چندلایه کردهای شیعه به کار رود. این گروه می‌تواند به‌عنوان پلی میان ایران، اقلیم کردستان و جامعه عربی عراق ایفای نقش کند. براین اساس، پیشنهاد می‌شود رسانه‌های ایرانی به‌ویژه شبکه‌های استانی غرب کشور برنامه‌های مستندی از نقش کردهای شیعه در اربعین تولید کنند تا بازنمایی مثبتی از این هویت تلفیقی در سطح منطقه‌ای شکل گیرد؛

– سوم، ضرورت طراحی یک سیاست فرهنگی – اجتماعی مشترک میان ایران و دولت عراق برای تقویت مشارکت نهادهای شیعه در مراسم اربعین مطرح است. این سیاست می‌تواند شامل آموزش دوزبانه (عربی – کردی یا فارسی – کردی)، حمایت از تولید محتوای آیینی کردی، و توسعه مسیرهای فرهنگی میان دیاله، واسط، ایلام و کرمانشاه باشد. چنین اقداماتی موجب افزایش همگرایی مذهبی و کاهش گرایش‌های جدایی‌خواهانه در مناطق کردی می‌شود؛

– چهارم، از منظر ژئوپلیتیک فرهنگی، کردهای شیعه به‌عنوان جمعیتی مرزنشین و وفادار به گفتمان مقاومت، ظرفیت تبدیل شدن به سپر فرهنگی و اجتماعی در برابر نفوذ جریان‌های سلفی و تکفیری را دارند. پیشنهاد می‌شود برنامه‌ای هماهنگ برای تقویت نهادهای دینی، فرهنگی و آموزشی آنان تدوین گردد تا این جمعیت به عامل پایداری امنیت فرهنگی در مرزهای غربی ایران بدل شود؛

– پنجم، در سطح راهبردی‌تر، پژوهش‌های آینده باید به سمت طراحی مدل‌های بومی دیپلماسی آیینی بر محور اربعین پیش برود؛ مدلی که در آن اقلیت‌های مذهبی هم‌پیمان ایران، مانند کردهای شیعه، به‌عنوان کنشگران فرهنگی در منطقه عمل کنند.

در مجموع، حضور کردهای شیعه در آیین اربعین، فرصتی استراتژیک برای تثبیت گفتمان همبستگی شیعی، توسعه قدرت نرم ایران، و بازسازی هویت‌های تاریخی در چارچوبی فراملی. بهره‌گیری هوشمندانه از این ظرفیت، می‌تواند به تحکیم ثبات اجتماعی در عراق و تقویت پیوندهای فرهنگی در جغرافیای تشیع بینجامد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

منابع و مآخذ

- اخوان کاظمی، مسعود و پروانه عزیزی (۱۳۹۷). تحلیلی از وضعیت کردهای شیعه فیلی در عراق. فصلنامه علمی شیعه‌شناسی، ۱۶(۶۱)، ۵۷-۸۰.
- افشردی، محمدحسین و حسین اکبری (۱۳۹۲). تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی شیعه بر توسعه نفوذ انقلاب اسلامی. فصلنامه آفاق امنیت، ۶(۲۰)، ۴۵-۷۰.
- اکبری، مرتضی و سیاوش یاری (۱۳۹۵). در نقش رودخانه‌های مرزی در روابط ایران و عراق از دوره پهلوی تا آغاز جنگ تحمیلی (مطالعه موردی: کنگیر و کنجان چم در استان ایلام)، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۱۸، ۱-۲۰. doi: 10.22111/jhr.2016.2797
- آقایی، سید داود و الهام رسولی (۱۳۸۸). سازه‌انگاری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال اسرائیل. فصلنامه سیاست، ۳۹(۱)، -.
- تحولات جهان اسلام (۱۴۰۲). تأثیر آمریکا بر جامعه شیعی عراق پس از صدام. رسانه تخصصی پوشش اخبار و تحولات منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا.
- دانش‌نیا، فرهاد (۱۳۹۴). سازه‌انگاری الکساندر ونت: امتناع از گذار از بن‌بست‌های تئوریک روابط بین‌الملل و دست‌یابی به راهی میانه. جستارهای سیاسی معاصر، ۶(۱۶)، ۶۳-۸۴.
- زرگر، علیرضا، علی مولایی (۱۴۰۲). کردهای فیلی عراق و دیپلماسی نرم جمهوری اسلامی ایران. مطالعات روابط بین‌الملل، ۲(۱۶)، ۱۶۵-۱۹۳.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۷). تحلیل پیمایش راهپیمایی اربعین حسینی، دانشگاه تهران: مرکز پژوهشی فضای مجازی.
- عظیمی، کیومرث و محمدعلی چلونگر (۱۳۹۱). پراکندگی فرق و مذاهب تشیع در کردستان. فصلنامه علمی شیعه‌شناسی، ۱۰(۳۹)، ۸۱-۱۰۰.
- عظیمی، کیومرث، چلونگر، محمدعلی و منتظران قائم، اصغر. (۱۳۹۴). بررسی دو متغیر طریقت‌های صوفیه و مهاجرت بر گسترش تشیع در میان کردها در چند قرن اخیر. فصلنامه علمی شیعه‌شناسی، ۱۳(۵۲)، ۸۵-۱۳۴.
- عقابی، توفیق، رنجبر، ایرج، فتاحی، شهرام، محبی، سیروس و نصرت‌اله حیدری (۱۴۰۲). رسانه (شبکه استانی ایلام)، ویرساخت هویت کردهای فیلی عراق و نقش آن در امنیت ملی ایران. فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۱۳(۵۲)، ۵۴۶-۵۶۵. doi: 10.22034/jgeoq.2024.215549.2283
- عقابی، توفیق، رنجبر، ایرج، فتاحی، شهرام، محبی، سیروس و نصرت‌الله حیدری (۱۴۰۲). تبیین ژئوپلیتیک نقش رسانه در برساختن هویت کردهای فیلی عراق با ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران. فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۱۳(۵۱)، ۱۳۲-۱۵۱. doi: 10.22034/jgeoq.2023.288703.3108
- علی‌نیا خطیر، نادعلی (۱۳۹۰). ماهیت شاعر دینی و فلسفه بزرگ داشت آن، مجله حکومت اسلامی؛ سال شانزدهم، شماره دوم، ۱۳۱-۱۵۴.
- عیوضی، محمدرحیم و سورنا پارسا (۱۳۹۲). الگوی تحلیلی قدرت نرم و سیاست بین‌الملل. فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، ۳(۹)، ۹۹-۱۱۲.

نقش و کارکرد کردهای شیعی عراق در آیین پیاده‌روی اربعین

عیوضی، محمدرحیم و حسن ناصر خاکی (۱۳۹۶). روند فکری وحدت جهان اسلام در اندیشه متفکران مسلمان. اندیشه سیاسی در اسلام، ۴(۱۲)، ۷-۳۴.

عیوضی، محمدرحیم، نوازی، علی و فریبا علی محمدی (۱۳۹۶). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و جریان های سیاسی شیعه غرب آسیا، مجله جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۴(۹)، ۱-۲۸.

doi: 10.22070/iws.2017.1400.1283

گیویان، عبدالله و محسن امین (۱۳۹۶). محبت و هویت در آیین نمایش جهانی اربعین مطالعه ماهیت، کارکردها و ساختار پیاده‌روی اربعین از منظر ارتباطات آیینی. دین و ارتباطات (دانشگاه امام صادق/ نامه صادق)، ۲۴(۲)، ۱۶۷-۱۹۴.

doi: 10.0497/rc.2018.2102

مرادی مقدم، مراد و حمید بصیرت‌منش (۱۳۹۸). تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کردهای فیلی شیعه عراق. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۹(۳۱)، ۱-۱۹.

doi: 10.22084/rjir.2019.17628.2562

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳). سازه‌انگاری به عنوان فرا نظریه روابط بین الملل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۵.

مظاهری، محسن حسام (۱۴۰۴). رشد تصاعدی آمار ایرانی‌ها در پیاده‌روی اربعین: دلایل و پیامدها، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

نادری، احمد (۱۳۹۴). اربعین حافظه جمعی شیعیان را بازتولید می‌کند/ اربعین؛ بحثی فرادینی، خبرگزاری مهر.

ویسی، ارسلان، شاکری‌نژاد، محسن و هادی البرزی (۱۴۰۳). پیاده‌روی اربعین به‌مثابه یک رسانه برای جامعه تشیع. دین و ارتباطات (دانشگاه امام صادق/ نامه صادق)، ۳۱(۱)، ۱-۳۸.

doi: 10.30497/rc.2023.245136.1996

Afshordi, M. H., & Akbari, H. (2013). The impact of Shiite geopolitical factors on the expansion of the Islamic Revolution's influence. *Afaq-e Amniat Quarterly*, 6(20), 45-70. [In Persian]

Aghabi, T., Ranjbar, I., Fattahi, Sh., Mohammadi, S., & Heydari, N. (2023). The media (Ilam provincial TV network), the construction of the identity of Iraq's Feyli Kurds, and its role in Iran's national security. *Geography (Regional Planning)*, 13(52), 546-565. <https://doi.org/10.22034/jgeoq.2024.215549.2283>

Aghaei, S. D., & Rasouli, E. (2009). Constructivism and the foreign policy of the Islamic Republic of Iran toward Israel. *Politics Quarterly*, 39(1), -. [In Persian]

Akbari, M., & Yari, S. (2016). The role of border rivers in Iran-Iraq relations from the Pahlavi era to the beginning of the imposed war (Case study: Kangir and Konjan Cham rivers in Ilam province). *Iran and Islam Historical Studies Journal*, (18), 1-20. <https://doi.org/10.22111/jhr.2016.2797>

Akhavan Kazemi, M., & Azizi, P. (2018). An analysis of the situation of Shiite Feyli Kurds in Iraq. *Shiite Studies Quarterly*, 16(61), 57-80. [In Persian]

Alinia-Khatir, N. (2011). The nature of religious rituals and the philosophy of commemorating them. *Islamic Government Journal*, 16(2), 131-154. [In Persian]

Ameli, S. R. (2018). Survey analysis of the Arbaceen pilgrimage. Tehran: Cyberspace Research Center, University of Tehran. [In Persian]

- Azimi, K., & Chelongar, M. A. (2012). Distribution of Shiite sects and denominations in Kurdistan. *Shiite Studies Quarterly*, 10(39), 81-100. **[In Persian]**
- Azimi, K., Chelongar, M. A., & Montazerolghaem, A. (2015). The effect of Sufi orders and migration on the expansion of Shiism among Kurds in recent centuries. *Shiite Studies Quarterly*, 13(52), 85-134. **[In Persian]**
- Daneshnia, F. (2015). Alexander Wendt's constructivism: Avoiding theoretical deadlocks in international relations and achieving a middle way. *Contemporary Political Essays*, 6(16), 63-84. **[In Persian]**
- Eyvazi, M. R., & Naser Khaki, H. (2017). The intellectual trend of Islamic unity in the thought of Muslim thinkers. *Political Thought in Islam*, 4(12), 7-34. **[In Persian]**
- Eyvazi, M. R., & Parsa, S. (2013). An analytical model of soft power and international politics. *Journal of Soft Power Studies*, 3(9), 99-112. **[In Persian]**
- Eyvazi, M. R., Navazi, A., & Alimohammadi, F. (2017). The soft power of the Islamic Republic of Iran and Shiite political movements in West Asia. *Political Sociology of the Islamic World*, 4(9), 1-28. <https://doi.org/10.22070/iws.2017.1400.1283>
- Giviyani, A., & Amin, M. (2017). Love and identity in the mirror of the global Arbaeen performance: A study of the nature, functions, and structure of the Arbaeen pilgrimage from the perspective of ritual communication. *Religion and Communication (Imam Sadiq University Journal)*, 24(2), 167-194. <https://doi.org/10.30497/rc.2018.2102>.
- Islamic World Developments. (2023). The impact of the United States on the Shiite community of Iraq after Saddam. Specialized Media of West Asia and North Africa Developments. **[In Persian]**
- Mazaheri, M. H. (2025). The exponential growth of Iranian participation in the Arbaeen pilgrimage: Causes and consequences. *Islamic Revolution Documentation Center*. **[In Persian]**
- Moradi-Moghadam, M., & Basiratmanesh, H. (2019). The impact of the Islamic Revolution of Iran on Iraq's Shiite Feyli Kurds. *Islamic Revolution Studies Quarterly*, 9(31), 1-19. <https://doi.org/10.22084/rjir.2019.17628.2562>
- Moshirzadeh, H. (2004). Constructivism as a meta-theory of international relations. *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, (65). **[In Persian]**
- Naderi, A. (2015). Arbaeen reproduces the collective memory of Shiites / Arbaeen as a transreligious phenomenon. *Mehr News Agency*. **[In Persian]**
- Veysi, A., Shakerinejad, M., & Alborzi, H. (2024). The Arbaeen pilgrimage as a medium for the Shiite community. *Religion and Communication (Imam Sadiq University Journal)*, 31(1), 1-38. <https://doi.org/10.30497/rc.2023.245136.1996>
- Zaragar, A., & Molaei, A. (2023). The Feyli Kurds of Iraq and the soft diplomacy of the Islamic Republic of Iran. *International Relations Studies*, 2(16), 165-193. **[In Persian]**

